Archive of SID

فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 80 / سال بیست و سوم، شمارهٔ سوم / پاییز 1398
The Knowledge Studies in The Islamic University, 2019(Fall)80, Vol. 23, No.3

بررسی لزوم عدالت کارگزاران نظام اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر منابع اسلامی ◈

یعقوب قاسمی خوئی [1]
رحیم همزبان قراملکی [2]

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تبیین ضرورت وجود عدالت کارگزاران نظام اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر منابع اسلامی و توجه به آن در گزینش کارگزاران نظام اسلامی انجام شده است. ***روش:*** روش پژوهش حاضر، توصیفی- تحلیلی و مطالعهٔ کتابخانه‌ای، با عنایت به منابع اسلامی است. ***یافته‌ها:*** عدالت کارگزاران نظام اسلامی از شاخصه‌های اصلی حکومت اسلامی است. عدالت، تنها توصیهٔ اخلاقی نیست، بلکه واجب و لازم شرعی، قانونی، عرفی و اخلاقی است که هم در مراحل گزینش و هم در ادامهٔ انجام مسئولیت در کارگزاران نظام اسلامی باید وجود داشته باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با پیروی از قرآن و سنّت و نظرات فقها و دانشمندان اسلامی و با توجه به بدیهی بودن اینکه نظام حکومتی آرمانگرای واقع‌نگر اسلامی زمانی می‌تواند در اهداف خود موفق باشد که از مجموعهٔ مدیریت عادل و سالم برخوردار باشد، بر ضرورت وجود عدالت کارگزاران حکومت اسلامی و توجه به گزینش افراد تأکید کرده است. ***نتیجه‌گیری:*** در گزینش کارگزاران نظام اسلامی و نظارت بر عملکرد آنان باید به شایستگی‌هایی که مهم‌ترین آنها عدالت است، به طور دقیق و حکیمانه و جدّی توجه شود تا از نفوذ افراد ناشایست، به خصوص در مراکز سرنوشت‌ساز جامعهٔ اسلامی پیشگیری شود.

واژگان کلیدی: عدالت، قانون اساسی، کارگزاران، نظام اسلامی.

◈ دریافت مقاله: 97/05/24 ؛ تصویب نهایی: 98/01/29.

1. دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق اسلامی. استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، ایران(نویسنده مسئول)/ نشانی: تبریز،خیابان 29بهمن ،دانشگاه تبریز ،دانشکده الهیات ومعارف اسلامی ،گروه معارف اسلامی / نمابر: 33377471-041 /
Email: gasemi.khoyi@gmail.com
2. طلبهٔ درس خارج فقه حوزهٔ علمیه قم. در حال تدوین رساله سطح 4. مربی دانشکدهٔ الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، ایران.

www.SID.ir

Archive of SID

الف) مقدمه

یکی از ابعاد زندگی انسان، بُعد اجتماعی است. برای اجتماع سالم و پویا، وجود حکومتی سالم، نظم و قانون و مجریان شایسته ضرورت دارد. در دین اسلام علاوه بر جنبه‌های فردی زندگی انسان، به ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و اقتصادی تأکید شده و دربارهٔ حکومت نیز اوصاف و وظایف حاکمان و کارگزاران و حقوق و وظایف متقابل مردم با مسئولان و حاکمان، مدّ نظر قرار گرفته است.

عدالت یکی از ویژگی‌های مهم و لازم برای کارگزاران نظام اسلامی است. برای بررسی این مسئله، لازم است بدانیم عدالت چیست؛ تعریف و تفاوت آن با مروّت چیست؛ عدالت در آموزه‌های دین اسلام چه جایگاهی دارد و از چه اهمیتی برخوردار است؛ در چه منصبهایی عدالت شرط شده است؛ فقها در تعریف و ابعاد عدالت چه دیدگاهی دارند؛ در منابع فقهی و اخلاقی، نقش عدالت در رابطه با دوام نظام حکومتی چگونه تبیین شده است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عدالت کارگزاران نظام اسلامی چه جایگاهی دارد. با بررسی موضوعات مذکور، مبانی لزوم عدالت کارگزاران نظام اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مطالعه و عنایت به منابع اسلامی روشن می‌شود.

ب) عدالت

1. معنی لغوی عدالت

عَدل (مصدر لازم) به معنی داد کردن، داد دادن، نهادن هر چیزی به جای خود، حدّ متوسط میان افراط و تفریط در هر یک از قوای باطنی انسان(در اخلاق)، اندازه نگه داشتن، حد اعتدال، راست، مِثل، نظیر، شبیه، مرد شایستهٔ شهادت دادن در محضر قاضی و حاکم(عدلین)؛ [اسم مصدر]: دادگری، انصاف؛ عدالت: نکتهٔ مقابل ظلم و جور؛ عادل: دادگستر و عدل‌گستر(معین، 1371: 2282). ارزش، فدیه، مرد صالح، تساوی بین دو چیز، میانه‌روی در امور، ضد جور، از اسامی خدای متعال(مصدر استعمال شده به جای اسم فاعل یا دارندهٔ عدل)؛ یعنی کسی که به هوای نفس تمایل ندارد، پس ظلم نمی‌کند و او منزّه است از انجام کار قبیح و اخلال در واجب(در پیش متکلمان). عِدل با کسر اول؛ مثل، نظیر(طریحی، 1362: 20؛ ر.ک: جواهری، 1407: 1760؛ ابن منظور، 1405: 430)، عدالت به معنای متعادل بودن انسان و میانه‌روی در امور است که بر خلاف جور باشد.(نجفی، 1365: 280)

عدل در معانی گوناگون، از جمله «رعایت تساوی و دوری از تبعیض» و «رعایت حقوق دیگران» به کار می‌رود؛ اما گاهی در معنایی جامع‌تر و کاربردی‌تر نیز استفاده می‌شود: «قراردادن اشخاص و اشیا در جایگاه شایستهٔ خود». امام علی(ع) می‌فرمایند: «عدالت، هر چیزی را در جای خود می‌نشاند».(نهج‌البلاغه: حکمت 437)

www.SID.ir

Archive of SID

2. ماهیت عدالت

علامه جعفری دربارهٔ ماهیت عدالت می‌گوید: «پس از حذف مناقشات و اختلافات لفظی و سطحی دربارهٔ تعریف ماهیت عدالت، می‌توان به یک جملهٔ مورد اتفاق نظر همهٔ صاحب‌نظران به عنوان توضیح‌دهندهٔ ماهیت عدالت رسید و آن جملهٔ عدالت عبارت است از: رفتار مطابق قانون. جای تردید نیست که عدالتخواهی یکی از ابعاد اساسی انسان از جنبهٔ فطری است. کسی که این بعد در او شکوفا نشده باشد، چه یک انسان باشد، چه جامعه‌ای متشکّل از میلیونها فرد، مرده‌ای متحرک و مزاحم حیات خود و دیگران است؛ زیرا درک این حقیقت که همهٔ اجزای جهان و روابط آنها با یکدیگر، که حیات او هم جزیی از آنها است، اساسی‌ترین و روشن‌ترین ویژگی حیات آدمی است. شکوفا نشدن بعد عدالتخواهی، از عدم درک قانون در هستی یا از بی‌اعتنایی به آن ناشی می‌گردد. در نتیجه، چنین شخصی فاقد اساسی‌ترین و روشن‌ترین خصوصیت حیات انسانی می‌باشد. از آن هنگام که در دیدگاه نوع انسانی، حقیقتی به نام قانون نمودار شده است، مفهوم عدالت نیز برای او مطرح شده است؛ زیرا عدالت عبارت است از رفتار مطابق قانون. این تعریف می‌تواند شامل همهٔ رفتارها و پدیده‌های عادلانه بوده باشد. یکی از اصول معرفتی که هیچ متفکر جهان‌بین و هیچ مکتب فلسفی متکی به علم، تردید در آن ندارد، حکومت قانون بر جهان هستی است که در اصطلاح و فرهنگ اسلامی، سنّتهای الهی تعبیر می‌شود. به طور مختصر؛ کمترین تردید در حکومت قانون بر جهان هستی یا انکار آن، مساوی است با تردید در همهٔ علوم یا انکار آنها».(جعفری، 1358: 256)

تصور اینکه ما در جهان و مجموعه‌ای قانونمند زندگی می‌کنیم که نظام حاکم بر آن بر اساس مشیّت حکیمانه و عادلانه شکل گرفته است، موجب تقویت قانون‌گرایی می‌شود. مهم این است که انسان با توجه به توانایی و آگاهی و اراده و اختیار خود، باید با شناخت و اختیار، از قانون و عدالت پیروی کند؛ در غیر این صورت، دچار سختی و مشکل خواهد شد. امام علی(ع) فرموده‌اند: «در عدالت، گشایش است و کسی که عدالت را برنتابد، ستم را سخت‌تر یابد».(شهیدی، 1373: 16)

نکتهٔ مهم در کلام امام علی(ع) این است نقطهٔ مقابل عدالت، ظلم و جور است. علامه جعفری نتیجهٔ تن ندادن به عدالت را با استفاده از سخن امیرالمؤمنین چنین ترسیم می‌کند: «فرد و جامعه‌ای که با عدالت اصلاح نشود، بازیچهٔ جور و ستم خواهد بود. رها کردن عدالت و خود را سپردن به بادهای عوامل محیط و انسانهایی که با انواعی از انگیزه‌های سودجویانه با یکدیگر ارتباط برقرار کرده‌اند، همانند رها کردن کشتی مجهز با همهٔ وسایل مبارزه با امواج طوفانی و با کشتی‌بان کارآزموده و قطب‌نمای حساس و همهٔ انواع رفاه و آسایش و نشستن در یک قایق ناچیز و بی‌بادبان و بی‌قطب‌نما و سپردن خویش به بادهای گوناگون و حرکت در اقیانوس پهناور و عمیق که هر لحظه‌ای بیم طوفان در آن می‌رود، پدیده‌ای فوق جنون است که تصورش برای مغزهای معتدل بسیار دشوار است. این چنین نیست که اگر عدالت در روابط اجتماعی برقرار نگردد، تنها یک امتیاز از دست رفته باشد؛ بلکه با از دست دادن این امتیاز، قایق حیات انسانی سیلی‌خور

www.SID.ir

Archive of SID

طوفانهای جور و ستم خواهد شد؛ زیرا در آن جامعه که قانون حکومت خود را از دست بدهد و افراد و گروهها رفتار خود را با آن تطبیق ندهند، حکومت ستم با انواع گوناگونش آغاز می‌گردد. دلیل این مدعا روشن‌تر از آن است که احتیاجی به تفصیل داشته باشد؛ همین مقدار کافی است که توجهی به اختلاف افراد و طبقات از نظر قدرت و ناتوانی بنماییم. روی همین اصل بدیهیِ اختلاف در قدرت و ضعف است که می‌گوییم از هر جامعه‌ای که عدالت رخت بربندد، ظلم و جور فوراً رخت خود را باز نموده و بساط خود را می‌گستراند».(جعفری، 1358: 265-264)

قرآن حدود 290 آیه دربارهٔ پیکار با ستم و ستمکاری و دفاع از ستمدیدگی با صراحت و قاطعانه بیان فرموده است. آیا 290 آیه برای اثبات اینکه دین، یگانه مبارز جدّی با ستم و ستمکاری است، کافی نیست؟!(همان: 298)

بنابر این، انحراف از عدالت، مساوی انحراف از اصول و ارزشهای حاکم بین مسلمانان و قوانین طبیعی و انسانی و اجتماعی است و انحراف از هر اصل و قانونی، مساوی انحراف از ارزشهای حاکم و واقعیت است. به عبارت دیگر؛ عدالت راه راست و استوار است که انسان را به مقصد نهایی و اهداف مادی و معنوی می‌رساند و انحراف از آن، قرار گرفتن در بیراهه‌ای است که هیچ کس در آن به مقصد نمی‌رسد و نتیجهٔ آن، اختلاف و آشفتگی و بی‌ثباتی و ضرر و زیان مادی و معنوی است.

3. اهمیت و گسترهٔ عدالت در منابع اسلامی

در منابع دینی اسلامی از جهات گوناگون به عدالت توجه ویژه شده و به اهمیت، بیان مرزها، آثار و برکات عدالت‌ورزی و پیامدهای ناگوار عدم پایبندی به آن تصریح شده و حتی در تعدادی از آیات قرآن، هدف از بعثت پیامبران و نزول کتابهای آسمانی، اقامهٔ قسط و عدل بیان شده است: «و به تحقیق، ما پیامبران خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم به قسط و داد قیام کنند»(حدید: 25)؛ «هرگاه بین مردم قضاوت کردید، به عدالت قضاوت کنید»(نساء: 58)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت پیشه کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و از [نافرمانی] خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است».(مائده: 8)

شهید بهشتی گسترهٔ عدالت و زمینهٔ تحقق آن را در جامعهٔ اسلامی چنین ترسیم می‌کند: «جامعهٔ اسلامی به نص قرآن، جامعه‌ای است که باید مردم بر اساس تعالیم انبیا سراپردهٔ قسط و عدل را برپا کنند. محور این جامعه، عدل است؛ آن هم نه فقط عدل اقتصادی و عدل سیاسی و اجتماعی، بلکه عدل اقتصادی و سیاسی بر پایهٔ اعتدال و عدل بینشی و اخلاقی. عدل معنوی و اخلاقی در اسلام اصل است. قسط اسلامی بدون قوانین اسلامی، ... بدون رعایت قوانین و احکامی که در فقه مستند ما آمده است، قابل اقامه نیست؛ حتی

www.SID.ir

Archive of SID

واژهٔ امام، نشان‌دهندهٔ این مطلب است. امام دارا و متّصف به کمالات انسانی است و در مسئله قسط و عدالت، امام تجسّم عینی قسط در جامعهٔ اسلامی است. ... نظام قسط اسلامی، نظام امامت عدل است. امام عادل در رأس مخروط امامت است. او جلوهٔ تمام‌عیار عدالت است. اما پس از شخص امام هم مطلب همین‌طوراست؛ یعنی در تمام مراحل رهبری و امامت و زعامت در احکام فقهی ما، عدالت به عنوان شرط اصلی ذکر می‌شود. نه تنها امام امت باید عادل باشد، که امام جماعت هم باید عادل باشد. از امام جماعت تا امام امت، همه جا عدالت شرط است. اگر از شما بپرسند که آقا! کی باید عادل باشد؟ امام معصوم در حد اعلای عدالت یعنی عصمت، نایب امام، مرجع تقلید، امام جماعت، قاضی... دیگر چه؟ همهٔ کارگزاران؛ بخشدار، فرماندار، شهردار، پلیس، افسر، درجه‌دار، سرگروهبان و ...؛ هر چه بالاتر می‌آیند، عدالت هم باید مهم‌تر و قاطع‌تر و جدّی‌تر و درجه‌اش عالی‌تر باشد. مدیرکل، رئیس اداره، وزیر، استاندار، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور و همهٔ کارکنان و کارمندان، همه اینها باید عادل باشند؛ عدالتی که بتوانی پشت سرش نماز بخوانی... حالا که قرار است سمبل شرط عدالت را شما مردم در امام جماعت بدانید، بهترین تعبیر این است که بگوییم در نظام اسلامی باید پشت سر یک‌یک این مقامات مسئول بتوانی نماز جماعت بخوانی؛ این است مسئله عدالت. دلیلش هم روشن است. تعالیم انبیا نه تنها همراه بیّنات است، اصلاً خودش هم غالباً آنقدر بیّن است که معروف بودنش را می‌توان درک کرد. حُسن و قبح عقلی که زیربنای مکتب عدلیه است، دلیل روشن دارد. اگر ما در تمام این مراحل روی هویت اسلامی انقلاب و هویت اسلامی نظام تکیه داریم، باید بدانیم اسلام و نظام اسلامی بدون امامت عدل - نمی‌گویم امام عادل، می‌گویم امامت عدل - ناقص است».(بهشتی، 1361: 123-113)

شهید مطهری نیز دربارهٔ گسترهٔ عدالت در جامعهٔ اسلامی می‌گوید: «مسئلهٔ عدالت از صدر اسلام در جامعهٔ اسلامی مورد توجه و عنایت همهٔ مسلمانان بوده است. در مرحلهٔ اجرایی عدل، از بدیهیات اولیه اندیشه‌های اسلامی اجتماعی هر یک ازمسلمانان این بوده است که امام و پیشوا و زعیم باید عادل باشد، قاضی باید عادل باشد، شاهد محکمه باید عادل باشد، شاهد طلاق یا رجوع باید عادل باشد و از نظر یک مسلمان شیعه، امام جمعه و جماعات نیز باید عادل باشد. مسلمان در برابر پُستهایی که یک مقام عادل باید اشغال کند، حساس بوده و احساس مسئولیت می‌کردند. این جملهٔ پیامبر بزرگوار اسلام(ص) زبانزد خاص و عام بود: افضل الجهاد کلمه عدل عند امام جائر؛ یعنی بالاترین جهاد، گفتن سخن عدل است در نزد پیشوای ستمگر».(مطهری، بی تا: 35)

البته ضرورت عدالت‌ورزی بعد از انقلاب اسلامی و در شرایط فعلی، به ویژه از سوی مدیران و مسئولان درتمام سطوح، از حساسیت فوق‌العاده برخوردار است. در علم فقه که نظریهٔ عملی مکتب اسلام است، به طور کلی و جزیی بیشتر به مسئلهٔ عدالت پرداخته شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

ج) عدالت در فقه

در اصطلاح فقهی، برخی حُسن ظاهر را در عدالت معتبر دانسته(نجفی، 1365: 285) و برخی، عدالت را همان حُسن ظاهر دانسته‌اند(همان: 290). بعضی معتقدند عدالت عبارت است از ملکهٔ نفسانیه که انسان را به تقوا و مروّت ملزم می‌کند؛ منظور از التزام به تقوا، اجتناب از گناهان کبیره و اصرار نکردن به گناهان صغیره و منظور از مروّت، پرهیز از چیزهایی است که نوعاً اشخاص از آنها متنفر می‌شود. البته این امر در خصوص افراد و زمانها و مکانها تفاوت دارد.(همان: 294)

عادل در اصطلاح فقها، فردی را گویند که دیندار باشد و گناه نکند و اگر اتفاقاً مرتکب گناه شد، از آن زود پشیمان شود و نیز خلاف مروّت از وی نبینند؛ یعنی عملی که دلالت بر سفاهت یا بر وقاحت و بی‌شرمی کند، از او سر نزند. گاهی کسی معصیت نمی‌کند، اما از او اعمالی سر می‌زند که دلیل بر سفاهت اوست؛ مانند شخصی موجّه و سرشناس که در بازار برهنه بدود و آواز بخواند و سخنان هزل و ناسزا بگوید: «همانها که از گناهان بزرگ و اعمال زشت دوری می‌کنند جز گناهان صغیره»(نجم: 32). پس عدالت، ملکه است؛ یعنی عادت و خوی ثانوی که برای پارسایان پیدا می‌شود و بعضی از متأخرین در شرط مروّت هم توقف و اشکال کردند و به نظر ما هیچ اشکال نیست و یقیناً هر کس عادت به کاری دارد که دال بر سفاهت و وقاحت اوست و نزد خدا و مردم پسندیده نیست، نه اینکه اگر اتفاقی یک بار عملی خلاف مروّت از او سر زد، دلالت بر صفت و ملکهٔ وقاحت در او بکند.

فقهای بزرگوار در کتابهای فقهی از جمله در شرایط امام جماعت، قاضی، شاهد، مفتی، مستحق زکات و نیز به طور ویژه دربارهٔ حدود و ثغور عدالت بحث کرده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

1. شیخ مرتضی انصاری

ایشان در رسالهٔ عدالت که در اواخر کتاب مکاسب چاپ شده، ابتدا سه تعریف از عدالت نقل کرده‌اند:

اول: عدالت حالتی روحانی و باطنی است که باعث التزام به تقوا یا تقوا به همراه مروّت می‌شود؛ اگر چه با الفاظ مختلف کیفیت و حالت و ملکه از آن تعبیر می‌شود.

دوم: عدالت عبارت است از ترک گناهان یا تنها گناهان کبیره ... و ظاهر این تعریف این است که عدالت، درست بودن انجام یا عدم انجام کارهاست، بدون اینکه به درجهٔ ملکه برسد.

سوم: عدالت عبارت است از درست بودن کارها از روی ملکه. بنابر این، کسی که گناه کبیره را بدون اینکه ملکه شده باشد ترک کند، عدالت صدق نمی‌کند. این تعریف از دو تعریف پیشین، اخص است.

شیخ انصاری ضمن بیان مستند این تعاریف، برخی از تعریفهای دیگر را نقل و نقد کرده است. ظاهر کلام ایشان نشان می‌دهد که با تعریف سوم موافق است. حتی اسلام و عدم فسق یا حُسن ظاهر را در تعریف

www.SID.ir

Archive of SID

عدالت نمی‌پذیرد و آنها را نشانهٔ عدالت می‌داند، نه خود عدالت. در نهایت، این سؤال را مطرح می‌کند که: آیا عدالت همان ملکهٔ اجتناب از معاصی یا خصوص گناهان کبیره است یا اجتناب از روی ملکه است یا هر دو؟ یعنی آیا عدالت، راستی و درستی ظاهری در افعال و کارها و همچنین راستی و درستی افعال باطنی است؟ وی می‌گوید: این مهم نیست که کدام است؛ بلکه مهم مستند و دلیل این قول است که عدالت، تنها راستی و درستی بدون ملکه نیست؛ چون اگر در وجود شرطی شک شود، اصل عدم وجود آن شرط است؛ یعنی استقامت ظاهری کافی نیست، علاوه بر اصل یاد شده، شهرت و واقع همان را تأیید می‌کند. همچنین، واژهٔ وثوق که در امام جماعت مطرح است، شاهد بر این است که بدون علم یا ظن به وجود ملکهٔ عدالت در فرد، وثوق حاصل نمی‌شود. موثّقهٔ ابن ابی‌یعفور هم دلیل دیگری است بر اینکه راستی و درستی ظاهری کفایت نمی‌کند؛ ایشان نقل می‌کنند: از امام صادق(ع) سؤال شد که عدالت یک فرد در بین مسلمانان چطور شناخته می‌شود تا شهادت او بر له یا علیه کسی پذیرفته شود؟ امام فرمودند: «ان تعرفوه بالسّتر و العفاف و کفّ البطن و الفرج و الید و اللسان و یعرف باجتناب الکبائر الّتی اوعد الله علیها النار...»،(حرّ عاملی، 1414: 288)

موثّقهٔ مذکور بر شرط بودن عدالت به معنای دقیق آن دلالتی ندارد و نهایت حسن ظاهر را می‌رساند. روایات دیگری هم که در این مسئله از معصومین(ع) رسیده، یا بر مانع بودن فسق در صحّت شهادت یا اکتفای به خیر یا صلاح یا عفت و خویشتن‌داری دلالت می‌کنند که از جمع آنها، شرط نبودن عدالت به معنای دقیق و متداول در میان فقها فهمیده می‌شود و اینکه، حسن ظاهر و عفت و معروفیت به خیر و نیکی، در صحّت شهادت کفایت می‌کند.

آیا در عدالت، مروّت هم معتبر است؟ شیخ انصاری می‌گوید: علمای متأخر از علامه حلی، مروّت را در عدالت معتبر می‌دانند و می‌گویند: «أنها(عدالت) هیئه راسخه تبعث علی ملازمه التقوی و المروّه...». اما علمای قبل از مرحوم علامه، مروّت را در عدالت معتبر نمی‌دانستند. خود شیخ انصاری مروّت را در عدالت معتبر نمی‌داند؛ چون محتوای اجماعات در باب عدالت، راستی و درستی در دین است؛ یعنی نقطهٔ مقابل فسق که به معنی خروج از اطاعت خداوند است و همچنین روایات مورد استناد در عدالت درستی و راستی در دین است، نه هر آنچه پیش مردم از عادات خوب و بد است.(ر.ک: انصاری، 1368: 326)

2. شیخ محمدحسن نجفی

ایشان در بحث شرایط امام جماعت، مسئلهٔ عدالت را به میان آورده و در امام جماعت و مفتی، عدالت ظاهری را کافی دانسته؛ اما در منصب حکومت و شاهدان طلاق گفته ظاهراً عدالت واقعی شرط است. ایشان دربارهٔ واژهٔ عدالت معتقد است اگر حقیقت شرعی نباشد، لااقل مجاز شرعی است. در هر صورت، از لحاظ معنایی در موارد استعمال متحدالمعنی است؛ یعنی در هر مورد به کار رود، یک مفهوم شرعی واحد دارد. بر این اساس، اقوالی را در تعریف عدالت به شرح ذیل نقل می‌کند:

www.SID.ir

Archive of SID

اول: عدالت، ظاهر اسلام است که فسقی از آن سر نزند.(نجفی، 1365: 280)

دوم: عدالت عبارت از حُسن ظاهر است.(همان: 290)

سوم: عدالت عبارت است از ملکهٔ نفسانی که انسان را بر تقوا و مروّت وادار می‌کند.(همان: 294)

صاحب جواهر، تعریف اخیر را در نهایت ضعف می‌داند؛ چون با این تعریف ممکن نیست به عدالت کسی حکم داد، مگر در امثال مقدس اردبیلی(همان: 295)؛ در حالی که رعایت و ملاحظهٔ روایات نشان می‌دهد که موضوع عدالت سهل و آسان است. برای مثال، به نماز جماعت در سفر و حضر، تأکید و سفارش شده است؛ به طوری که اگر برای امام جماعت مشکلی پیش آمد، باید یکی از مأمومین جای او را بگیرد. این امر نشان‌دهنده این است که موضوع عدالت، آنقدر سخت نیست که کسی پیدا نشود. علاوه بر این، در مسائل مختلف، عدالت شرط است؛ از جمله: طلاق، دیون، وصایا و سایر معاملات. طبق تعریف یاد شده، شرط عدالت موجب عسر و حرج می‌شود. از طرف دیگر، حسن ظاهر هم خالی از مسامحه نیست؛ چون حسن ظاهر عدالت نیست، بلکه طریق شناخت عدالت است. لذا برخی احتمال دادند که منظور از عدالت همان معروف به عادل بودن در بین مسلمانان است(همان: 300). البته باید دقت شود تا فریب ظاهرسازی افراد را نخورد.

با اینکه برای معتبر بودن مروّت در عدالت ادّعای اجماع شده است، ولی صاحب جواهر این ادعا را نمی‌پذیرد و می‌فرماید روایاتی که در این باره نقل شده، مانند «**لا** دین لمن **لا** مروّه له...»(کلینی، 1363: 19) ربطی به عدالت ندارند و ملازمهٔ بین مروّت و تقوا را نمی‌رسانند؛ چون اولیای الهی خیلی از کارها را انجام می‌دادند، در حالی که مردم جاهل آنها را کارهای منکر می‌دانستند. بلی برخی از کارها نشانهٔ نقصان عقل است، مثل اینکه یک فقیه، بدون جهت لباس نظامی بپوشد. این به خاطر امر عارضی حرام می‌شود. عدم مروّت، در واقع مخالفت با عادت است، نه شرع. برای مثال، پیامبر(ص) سوار بر حمار می‌شد، چیزی می‌خورد و گوسفند می‌دوشید، یا دربارهٔ زهد علی(ع) چیزهایی نقل شده است که در این زمان از اعظم منافیات مروّت حساب می‌شود. آنچه برخی را به اعتبار مروّت در عدالت واداشته است، به خاطر تأکید و توصیه به مروّت در برخی از روایات است؛ اما معلوم است منظور از مروّتی که در این روایات آمده، آن معنی مذکور نیست. برای مثال، امام علی(ع) در جواب جوبریه که از شرف و عقل و مروّت سؤال کرده بود، فرمودند: «امّا المروّه فاصلاح المعیشه»(همان: 241) و در روایت امام رضا(ع) از پیامبر(ص)، شش چیز نشانه مروّت است: سه تا در حضر و سه تا در سفر؛ آنچه در حضر است: تلاوت قرآن، تعمیر مسجد و برگزیدن دوستان و آنچه در سفر است: بخشش، خوش‌خلقی و شوخی در غیر معاصی خدا.(حر عاملی، 1414)

www.SID.ir

Archive of SID

3. سید محمدکاظم یزدی

ایشان عدالت را چنین تعریف می‌کنند: عدالت عبارت است از ملکهٔ پرهیز از گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره و دوری از امور منافی مروّت که ارتکاب آنها، بر عدم مبالات در دین مرتکب آنها دلالت می‌کند و برای کشف ظنّی این ملکه، حُسن ظاهر کفایت می‌کند.(طباطبایی یزدی، بی‌تا: 800)

4. امام خمینی

در «تحریرالوسیله» آمده است: عدالت، حالت نفسانی باعث بر ملازمت تقوا، مانع از ارتکاب گناهان کبیره و حتی بنا بر نظر قوی‌تر، دوری از گناه صغیره چه برسد به اصرار بر آنها که خود گناه کبیره شمرده می‌شود و انجام ندادن کارهایی که بر بی‌مبالاتی در دین فاعلش دلالت می‌کند و احتیاط در دوری از منافیات مروّت معتبر است، اگر چه عدم اعتبار آن قوی‌تر است(امام خمینی، 1390، ج 1: 274). در جای دیگر می‌فرماید: عدالت، ملکهٔ بازدارنده از معصیت خدای تعالی است(همان، ج 2: 442). بر این اساس، امام خمینی بیشتر از فقهای مذکور به وجود عدالت به معنای حقیقی آن معتقدند و حتی انجام صغایر را گناه کبیره می‌شمارند. به اعتقاد ما، تنها احراز عدم فسق در ظاهر(حسن ظاهر) در عدالت کفایت می‌کند. و الا عسر و حرج در زندگی اجتماعی به وجود می‌آید.

د) راه اثبات عدالت

در اینجا لازم است به این مسئله اشاره شود که مسئلهٔ عدالت از چه راهی قابل اثبات است. امام خمینی در بحث صفات قاضی، در مسئلهٔ دوم می‌فرمایند: راههای اثبات عدالت عبارتند از:

1. فرد خودش به مسئله پی برده و می‌داند.

2. بیّنهٔ عادله؛ یعنی دو نفر شاهد عادل شهادت دهند، به شرط اینکه دو نفر شاهد عادل نقض نکنند.

3. راه دیگر، مشهور بودن و شیاع است که گاهی از آن تعبیر به شیاع و گاهی تعبیر به استفاضه می‌شود. آیا شیاع فی‌نفسه حجیت شرعیه دارد: «و لو لم یفد العلم و لا الاطمینان بل و لا المظنه»؛ یا اینکه حجیتش منحصراً مال جایی است که افادهٔ علم کند که در حقیقت معنایش این است که «الشیاع لیس بحجه»؛ آنچه حجت است، علم است.(همان: 407)

آیا حجیت شیاع، مقیّد به صورتی است که افادهٔ علم کند؟ یا ظن متأخم للعلم، که از آن تعبیر به اطمینان می‌کنیم. در همهٔ موارد عقلا با این اطمینان معامله علم می‌کنند. آنچه حکم به حجیت علم می‌کند، عقل است؛ اما معامله و تعامل عقلا، با اطمینان، معاملهٔ علم است. و به همین سبب هم به آن گفته‌اند:

www.SID.ir

Archive of SID

اطمینان؛ یعنی برای انسان هیچگونه اضطراب قلبی به حسب نظر عرف و به حسب نظر عقلا وجود ندارد. این طور نیست که علم صد در صد باشد، ولی احتمال نقطهٔ مقابل خیلی ضعیف است؛ که «یفرض وجوده کالعدم». این اطمینان را ما دلیل عقلی بر حجیتش نداریم. برای اینکه از مراتب بالای مظنه است، و اصل در مظنه، عدم حجیت است. هر چه می‌خواهد باشد، تا به مرحلهٔ علم نرسد، عقل حکم به حجیتش نمی‌کند. ولی اطمینان، چون عقلا روی آن ترتیب اثر می‌دهند، شارع مقدس اسلام هم نهی از این معنا نکرده است. ما از عمل عقلا و عدم منع شارع استفاده می‌کنیم که «یعامل معه معامله العلم» ولو اینکه دلیل عقلی بر حجیت آن نداریم؛ چون دلیل عقلی منحصر به قطع صد درصد است و حجیت، قطع ذاتی است. اما برای اطمینان از این راه، یک حجیت شرعیه درست می‌کنیم، آن وقت می‌آییم کلمهٔ شیاع را مقیّد می‌کنیم به صورت علم یا به صورت حصول اطمینان. صورت علمش عنوان حجیت عقلیه پیدا می‌کند و صورت اطمینانش حجیت عقلائیه پیدا می‌کند. و معمولاً مردم وقتی که می‌گویند ما این مطلب را می‌دانیم یا برای ما روشن است، این همان اطمینان است(فاضل لنکرانی، 1376: 9). پس شیاع یا مشهور علم و قطع نیست که حجیت ذاتی داشته باشد، ولی به پشتیبانی سیرهٔ عقلائیه و اطمینان حاصله، حجیت و اعتبار پیدا می‌کند. پس شیاع به تنهایی اعتبار ندارد.

باید توجه داشت در گزینش مسئولیتهای بالاتر برای کشف ویژگی عدالت نباید تنها به حسن ظاهر اکتفا کرد، بلکه باید با تحقیقات و مصاحبه‌ها و نظارتهای بعدی، از نفوذ افراد ناشایست جلوگیری کرد.

هـ) نقش عدالت در حفظ نظام

شماری از فقها و متفکران اسلامی با اشاره به سخن معروف «الملک یبقی بالعدل مع الکفر و لا یبقی مع الظلم بالایمان»، اولین و مهم‌ترین عامل حیات کشور و حکومت را عدالت می‌دانند. در اندیشهٔ سیاسی اسلام، مشروعیت و بقا و دوام حکومت، حیات دین و حدود الهی، عمران و سازندگی، اصلاحات، عزت دین و مسلمانان و ...، در گرو اجرای عدالت است. به فرمودهٔ امام علی(ع)، بهترین نوع حکومت، حکومتی است که مبتنی بر عدل باشد(خوانساری، 1366: 238). انتظام امور سیاسی و مردم، بسته به عدالت است(همان). حضرت علی(ع) یکی از پیامدهای برپایی و اجرای عدالت را قوام دولت می‌دانند. برای نمونه می‌فرمایند: کسی که به عدل کار کند، خداوند حکومت او را نگه می‌دارد و کسی که به ستم رفتار کند، خداوند در نابودی او تعجیل می‌کند.(همان: 239). در جای دیگر می‌فرمایند: هیچ چیزی همانند عدالت، دولتها را محافظت نمی‌کند(همان: 238). بی‌گمان آنچه بیش از همه دیدهٔ حاکمان به آن روشن است، برقراری عدالت و داد در کشور و آشکار شدن دوستی مردمان است.(همان: 239)

www.SID.ir

Archive of SID

نکتهٔ جالب توجه و مهمی که مرحوم نراقی در این خصوص به آن اشاره کرده، این است که اگر میان مردم رابطهٔ محبت و دوستی مستحکم شود، نیازی به اجرای اجباری عدالت نخواهد بود؛ چون اهل محبت و دوستی در صورتی که خودشان به چیزی نیاز داشته باشند، ایثار می‌کنند. با این وصف، چگونه بعضی بر بعضی ستم روا می‌دارند؟ راز سخن در این است که رابطهٔ محبت، قوی‌تر از رابطهٔ عدالت است. لذا در شریعت اسلام، اول به اخوّت و الفت بین مردم توصیه شده است و خیلی از احکام، مثل اهمیت دادن به نماز جماعت، جمعه، ایثار، احسان، تحریم غیبت و امثال آن، برای ایجاد محبت بین ملتها و قبیله‌ها و افراد است(نراقی، 1383: 87-86). در واقع؛ ریشهٔ عدالت و رعایت حقوق دیگران بدون محبت حالت اجبار دارد. پس محبت و دوستی علاوه از تأثیر روحی و روانی و معنوی، در ایجاد قسط و عدل نقش اساسی دارد.

و) جایگاه عدالت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در مقدمهٔ قانون اساسی، چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی، نحوهٔ تدوین قانون اساسی و اصول حاکم برآن تبیین شده و در فصول و اصول متعدد آن به عدالت و ابعاد گوناگون آن تأکید شده است.

حکومت از نظر اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی(حرکت به سوی الله) بگشاید. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی متضمّن نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی است و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند: «قید و بندهایی را که بر دوش آنان بوده است، برمی‌دارد»(اعراف: 157). در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایهٔ تشکیل جامعه است، بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و ادارهٔ مملکت می‌شوند- «إِنَّ الأَرضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُون»(انبیا: 105)- و قانونگذاری که مبیّن ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنّت جریان می‌یابد. بنابر این، نظارت دقیق و جدّی از ناحیهٔ اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقهای عادل)، امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است- «وَ اِلَی اللهِ المَصیر»(آل عمران: 28)- تا زمینهٔ بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید: «تَخَلَّقُوا بِاَخلاقِ اللهِ»(مجلسی، بی‌تا: 129) و این جز در گرو مشارکت فعال و گستردهٔ تمامی عناصر اجتماع در روند جامعه نمی‌تواند باشد(قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقدمه: 20-17). بنابر این، خواستهٔ اصلی در انقلاب اسلامی و قانون اساسی بر آمده از آن، رسیدن به اخلاق متعالی و عدالت در ابعاد گوناگون آن است.

قانون اساسی که اصول کلی و اهداف عالی نظام را بیان می‌کند، همان اصول اساسی دین و دینداری است: «حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، ... به آن رأی مثبت داد»(همان: فصل اول، اصل اول). «جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر ایمان به خدا،

www.SID.ir

Archive of SID

وحی الهی، معاد، عدل، امامت و کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا است که از راه نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند».(همان: اصل دوم)

دولت جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد، برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، با به کارگیری همهٔ امکانات خود، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی با ایجاد امکانات عادلانه تبعیضات ناروا را رفع کند. طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه و...، اقتصاد صحیح و عادلانه‌ای را پی‌ریزی کند و حقوق همه‌جانبهٔ افراد، از زن و مرد را تأمین و امنیت قضایی عادلانه برای همه ایجاد و تساوی عموم مردم را در برابر قانون عملی کند.

در اصل چهاردهم قانون اساسی مقرر شده است: دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند با افراد غیر مسلمان غیر محارب، با اخلاق حسنه و قسط و عدل رفتار کنند؛ به حکم آیهٔ شریفه: «لا یَنهکُم اللهُ عَن الَّذینَ لَم یُقاتِلُوکُم فی الدِّینِ وَ لَم یُخرِجُوکُم مِن دِیارِکُم اَن تَبَرُّوهُم وَ تُقسِطُوا اِلَیهِم اِنَّ اللهَ یُحِبُّ المُقسِطین»(ممتحنه: 8).

ز) نقش کارگزاران در نظام اسلامی

نظام حکومتی آرمانگرا و واقع‌نگر وقتی در اهداف خود می‌تواند موفق باشد که از مجموعهٔ مدیریت و کارکنان سالم از نظر فکری و اعتقادی و اخلاقی و رفتاری برخوردار باشد.گرچه قوانین متقن، شفاف و پویا لازم است، اما کافی نیست؛ بلکه مجریان قانون نیز باید از شایستگی‌های عمومی و ویژه برخوردار باشند. فرهنگ و تمدن اسلامی دارای پشتوانه‌های معرفتی و الگوهای عملی بسیار است؛ اولاً خود رسول الله اعظم(ص) اسوه و الگوی حسنه است، ثانیاً علی(ع) نمونهٔ بارز و باارزش آن است که دوران زندگی‌اش، سرشار از عدالت‌گرایی، عدالت‌مداری و عدالت‌گستری است؛ به ویژه که در روزگار کوتاه حکومتش، زیباترین چهرهٔ انسانی حکومت مبتنی بر ارزشهای انسانی را به نمایش گذاشت. مگر می‌توان جمال جمیل علی(ع) و جلوهٔ آن را در حکومت نگریست و بدان عشق نورزید؟ لذا آن حضرت، میزان برای سنجش رفتارهای فردی و اجتماعی است. آن حضرت، حق و عدالت و انصاف را در عزل و نصبها، مدح و مذمّتها و تشویق و تنبیه‌های کارگزاران خود، در رفتار و گفتار نشان داده است. با توجه به اینکه الگو و مبنای نظام اسلامی همان سنّت و سیرهٔ رسول خدا(ص) و ائمه معصومین(ع) است، لذا همان آرمانها در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی تجلی یافته است.

با توجّه به لزوم و ضرورت حفظ نظام، عقلاً و شرعاً، شناخت عوامل زوال و ثبات آن لازم است. در مقولهٔ بقا و زوال دولت، در فلسفهٔ سیاسی اسلام چگونگی عملکرد کارگزاران نظام سیاسی یکی از مسائل مهم و در خور توجه است. بی‌گمان رفتار درست، عادلانه و سنجیدهٔ کارگزاران در استحکام پایه‌های حکومت و

www.SID.ir

Archive of SID

ماندگاری آن نقش اساسی دارد و این کار جز با انتخاب افرادی لایق و شایسته و توجه به تربیت سیاسی مستمر آنان امکان‌پذیر نیست؛ زیرا ممکن است مقام و قدرت به تدریج سبب انحراف یا تغییر ماهیت آنان شود.

پیامبر اسلام(ص) و امام علی(ع) به این امر مهم توجه جدّی داشتند و افرادی را تربیت کردند که جز به رضای خدا و خدمت به خلق خدا به چیز دیگری نمی‌اندیشیدند؛ افرادی چون: عمار یاسر، سلمان، مالک اشتر(مزیانی، 1380: 115)، محمد ابن ابی‌بکر و دیگران. یکی از برنامه‌های اصلاحی حضرت علی(ع) در دورهٔ زمامداری، گماشتن نیروهای شایسته، کارامد و صالح در مصادر امور حکومت بود؛ زیرا استقرار و دوام حکومت، به ویژه با شاخصه‌های دینداری و عدالت، بدون کارگزاران شایسته عملی نیست. چگونگی گزینش و انتخاب این نیروها در مناصب گوناگون سیاسی، نظامی، مالی، قضایی و اداری، آشنا کردن آنان با دستورالعملهای مدیریتی، شیوهٔ زمامداری و رفتار با مردم، نظارت بر عملکرد و مدیریت آنان به منظور حسن اجرای امور که به تأمین امنیت جامعه، رضایت عمومی مردم، استحکام و ثبات حکومت منجر شود، از مسائلی است که امام علی(ع) بدانها پرداخته است.

1. گزینش کارگزاران

در اصل اهمیت عدالت و ضرر و زیان جور و ستم شکی نیست، بلکه مهم تحقق عدالت و اجتناب از ظلم و ستم است؛ به خصوص با توجه به شرایطی که با رسیدن افراد به موقعیت و مقام به وجود می‌آید، رفتار و منش برخی عوض می‌شود. لذا وجود عدالت، در کارنامهٔ فکری و عملی و ضرورت نظارت بر عملکرد مدیران و مسئولان روشن می‌شود. مسئله مهم این است که عدالت چیزی نیست که با ادعای محض و ظاهرسازی و تظاهر قابل اثبات باشد، بلکه سابقهٔ عملکرد افراد نشان می‌دهد که ایشان عدالت دارند یا نه؟ البته شناختن عدالت دشوار نیست؛ زیرا همهٔ ملکات و خوی و خلق و عادات را از آثار و علائم می‌توان شناخت؛ مثل آنکه فلانی بخیل، سخی، استاد ماهر، ناشی، فصیح و الکن است و هکذا. عدالت با سایر صفات فرقی ندارد؛ یعنی قابل شناخت است.(شعرانی، 1398: 124)

امام خمینی در این باره می‌فرمایند: «شخاصی که یک جایی را اداره می‌کنند، باید از اول ارزیابی شوند که این اشخاص چه کاره بوده‌اند، سوابقشان و تحصیلاتشان در کجا بوده، چه رویّه‌ای در تحصیلات داشته‌اند و بعد از انقلاب چه وضعیتی داشته‌اند، افکارشان قبلاً چه بوده است؟ اگر کسی افکارش منحرف بوده و حالا بیاید ادعا کند که من برگشته‌ام، ما باید قبول کنیم؛ اما نباید او را مجله‌نویس کنیم. این دو با هم فرق دارد. بسیاری از اشخاص هستند که می‌آیند و می‌گویند ما توبه کردیم؛ البته توبهٔ آنها قابل قبول است، لکن نمی‌شود آنها را سر کاری گذاشت که آن کار اهمیت دارد... ما قبول می‌کنیم که در جامعهٔ مسلمین مثل سایر مسلمانان با او رفتار کنیم، اما نباید رادیو و تلویزیون را به دست او بدهیم... ما نباید خوش‌باور باشیم. خیلی از اشخاص هستند که تمام حرفهایشان حرفهای اسلام است و تمام حرفهایشان حرفهای نهج‌البلاغه است، تمام حرفهایشان قرآن است، لکن مسیرشان این نیست. اشخاصی هستند که این راه را در پیش گرفتند برای اینکه خودشان را در جامعه جا بدهند و آن مقصدی را که دارند عملی کنند... مثلاً فرض

www.SID.ir

Archive of SID

کنید یک فردی آمده توبه کرده است، توبه دزد قبول است اما آیا شما می‌توانید سرمایه‌هایتان را به دست او بدهید و به او بسپارید؟ خیر چون این عقلانی نیست، ممکن است این دزد برای اینکه سرمایه به دست آورد، توبه کرده است. ما موظفیم که در ظاهر قبول کنیم که دزد توبه کرده است، حتی اگر یک توبه‌ای هم باشد که ظواهرش هم درست بوده، می‌توانیم در نماز به او اقتدا کنیم اما نمی‌توانیم چیزی که در آن امانت و دیانت لازم است بدست او بدهیم».(امام خمینی، 1389، ج 13: 476-475)

از آنجا که امام علی(ع) به عدالت اجتماعی در حکومت اهتمام جدّی داشتند، یکی از راهکارهای عملی تحقق آن را، گزینش کارگزاران و مدیران شایسته در امور می‌دانستند. علاوه بر صلاحیت و شایستگی زمامدار و پیشوای اصلی جامعه، کارگزاران و عاملان او در مناصب گوناگون نیز باید از شایستگی لازم برخوردار باشند. از این رو، آن حضرت که قبل از تصدی خلافت مسلمانان نسبت به کارگزاران ناصالح در رأس امور ناخرسند بودند و به ویژه خلیفهٔ سوم، عثمان را از خطرات و سوء رفتار عاملانش اندرز می‌دادند، آنگاه که امر پیشوایی مردم را بر عهده گرفتند، یکی از برنامه‌های اصلاحی‌شان، برکناری والیان فاسد و گماشتن نیروهای شایسته، مطمئن و باتقوا به جای آنها بود.

آن حضرت علاوه بر حساسیت در انتخاب کارگزاران از جنبهٔ صلاحیتی و مدیریتی، نظارت خاصی را نیز بر اعمال آنان، در زمان تصدی امور، به کار می‌بستند؛ به تخلفات آنان به سرعت رسیدگی و ایشان را نسبت به عملکرد نادرست بازخواست، سرزنش و توبیخ می‌کردند. قبل از اعزام والیان به شهرها، دربارهٔ چگونگی رفتار و سلوک آنان با مردم و مشی والی‌گری، سفارشها و توصیه‌های لازم را به ایشان می‌کردند و در نامه‌هایی که به عاملان خود می‌نگاشتند، آیین مدیریت اسلامی را برای آنان تبیین می‌کردند.

2. عدالت کارگزاران نظام اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

از لزوم تنظیم کلیهٔ قوانین بر اساس موازین اسلامی، این مسئله روشن می‌شود که نظام جمهوری اسلامی ایران با رهبری فقیهی عادل و حمایت عالمان وارسته و توده‌های مردم مسلمان، با انگیزه‌های دینی تأسیس شد و در این راه انسانهای پاک جان خود را نثار کردند. همواره حفظ ارزشهای یک نظام به مراتب دشوارتر از تأسیس آن است؛ چون این مرحلهٔ پیروزی، رسیدن به قدرت، نعمت، شهرت، مقام و موقعیت، اختلاف و تفرقه است. هشدار قرآن که می‌فرماید: «الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون»(مائده: 3)، ناظر به این جریان است؛ یعنی امروزه کافران از شکست دادن دین شما مأیوس شدند پس از آنها نترسید و از من خدا) بترسید. این نشان می‌دهد که خطر از درون شما را تهدید می‌کند، نه از بیرون.(مطهری، 1364: 20)

از این سخن، اهمیت تقوای مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی، از پایین‌ترین کارگزار تا بالاترین آن آشکار می‌شود. بدیهی است افرادی که در این نظام مسئولیت می‌پذیرند، حتماً باید واجد ویژگی‌های خاص باشند و هرچه مسئولیت و مقام بزرگ‌تر باشد، این ضرورت حساس‌تر و مهم‌تر می‌شود و به همین سبب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف آن از شرایط خاص و ویژهٔ مسئولان و مدیران ارشد نظام سخن گفته شده است. در اصول 109(عدالت و تقوای رهبر)، 115(حسن‌سابقه، امانت و

www.SID.ir

Archive of SID

تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور، رئیس‌جمهور)، 121(سوگند رئیس‌جمهور، که خود را باید برای ترویج دین و اخلاق و پشتیبانی از حق و گسترش عدالت وقف سازد)، 142(دارایی رهبر، رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان نباید بر خلاف حق افزایش یابد)، 147(امکانات ارتش در زمان صلح برای منافع عمومی با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده شود)، 156(قوه قضائیه مسئول تحقق بخشیدن به عدالت)، 157(رئیس قوه قضائیه مجتهد عادل)، 162(رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل باشند)، 163(صفات قاضی بر اساس فقه که باید عادل باشد)، 173(دیوان عدالت اداری، رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها) و 91(اعضای شورای نگهبان، فقهای عادل، حقوقدان مسلمان)، به ترتیب به شرایط و صفات رهبر، رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، قضات، فقها و حقوقدانان شورای نگهبان پرداخته شده است.

همهٔ شرایط مزبور که ریشه در منابع دینی دارند، نشانگر شایستگی‌های تقوای دینی، علمی و مدیریتی است. از اصول قانون اساسی مذکور در می‌یابیم که کارگزاران نظام فقط کارکنان امور اجرایی نیستند، بلکه هر فرد و نهاد و سازمانی که از بودجهٔ دولتی بهره‌مند است، کارگزار نظام اسلامی به شمار می‌آید.

ح) بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی و مطالعه در منابع دینی اعم از کتاب و سنّت و آرا و فتاوای برخی از فقهای نامدار و اصول و فصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در مقاله ارائه شد؛ در می‌یابیم که:

1. ویژگی و ملکهٔ عدالت برای همهٔ کارگزاران نظام اسلامی لازم و ضروری است.

2. هر اندازه جایگاه مهم‌تر و تأثیرگذارتر، عادل بودن مهم‌تر و حیاتی‌تر است.

3. عدالت تنها یک توصیهٔ اخلاقی نیست، بلکه امر واجب و لازم شرعی، قانونی، عرفی و اخلاقی است که هم در مراحل گزینش و هم در ادامهٔ انجام مسئولیت در کارگزاران نظام اسلامی باید وجود داشته باشد و برای مراقبت از آن، علاوه بر نظارت عمومی در قالب امر به معروف و نهی از منکر، لازم است نهادهای نظارتی با شیوه‌ها و سازوکارهای مناسب، پیگیر مسئله باشند.

بنابر این، در گزینش کارگزاران نظام اسلامی و همچنین در نظارت، باید دقیق و حکیم بود تا از نفوذ انسانهای ناشایست در مراکز سرنوشت‌ساز جامعهٔ اسلامی جلوگیری شود.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

- **قرآن کریم**.
- **نهج‌البلاغه**. ترجمهٔ عبدالحمید آیتی(1379). تهران: دفتر نشر فرهنگ، چ هشتم.
- **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران(مصوّب 1368)**. تدوین جهانگیر منصور(1395). تهران: دوران، چ صد و هفتم.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد(1405 ق). **لسان العرب، ج 11**. قم: ادب الحوزه.
- امام خمینی، سید روح‌الله(1390 ق). **ت حریرالوسیله**. نجف الاشرف: مطبعه الآداب.
- امام خمینی، سید روح‌الله(1389). **صحیفه نور**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ پنجم.
- انصاری، مرتضی(1368 ق). **مکاسب**. قم: مکتبه علامه.
- بهشتی، سید محمدحسین(1361). **بررسی مسائل اسلامی**. قم: ناصر.
- جعفری، محمدتقی(1358). **ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ج 3**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ دوم.
- جواهری، اسماعیل(1407 ق). **الصحاح تاج‌اللغه و صحاح العربیه، ج 5**. بیروت: دارالعلم للملایین، چ چهارم.
- حر عاملی، محمدحسن(1414 ق). **وسائل الشیعه**. قم: آل البیت.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد(1366). **شرح فارسی غرر و درر آمدی**(جلد هفتم: فهرست موضوعی). تنظیم سید جلال‌الدین محدث ارموی. تهران: دانشگاه تهران.
- شعرانی، ابوالحسن(1398 ق). **نثر طوبی**. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- شهیدی، سید جعفر(1373). **ترجمهٔ نهج‌البلاغه**. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ششم.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم(بی‌تا). **العروه الوثقی، ج 1**. تهران: مکتبه اسلامیه.
- طریحی، فخرالدین(1362). **مجمع‌البحرین، ج 5**. تهران: المکتبه المرتضویه.
- فاضل لنکرانی، محمد(1376). **تقریرات درس خارج فقه**(جلسه 19). مقرر یعقوب قاسمی خویی. خطی.
- کلینی، محمد(1363). **اصول کافی، جلد 1**. تهران: دارالکتب اسلامیه، چ پنجم.
- کلینی، محمد(). **روضهٔ کافی**، تهران: دارالکتب اسلامیه، چ پنجم.
- مجلسی، محمدباقر(بی‌تا). **بحار الانوار**، جلد 58. نرم‌افزار جامع‌الاحادیث نور.
- مزینانی، محمدصادق(1380). **«روشهای تربیت سیاسی کارگزاران از منظر امیرالمؤمنین(ع)»**. *حکومت اسلامی*، ش 22.
- مطهری، مرتضی(1364). **پیرامون انقلاب اسلامی**. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی(بی‌تا). **عدل الهی**. تهران: صدرا، چ دوم.
- معین، محمد(1371). **فرهنگ فارسی**. تهران: امیرکبیر، چ هشتم.
- نجفی، محمدحسن(1365). **جواهر الکلام**. تهران: دارالکتب اسلامیه، چ دوم.
- نراقی، مولی مهدی(1383 ق). **جامع السعادات**. نجف الاشرف: مطبعه النجف، چ سوم.

www.SID.ir

Archive of SID

- **The Holy Quran**.
- **Nahj al-Balaghah**. Translation by Abdul Hamid Ayati (2001). 8th Edition. Tehran: Culture Publishing Office.
- Ansari, Mortaza (1947). **Makaseb**. Qom: Maktabah Allameh.
- Beheshti, Mohammad Hussein (1982). **Review of Islamic Issues**. Qom: Naser Publishing.
- **Constitution of the Islamic Republic of Iran (Adopted in 1989)**. Jahangir Mansour (Ed.) (2016). Tehran: Doran, 107th Edition.
- Fadhil Lankarani, Mohammed (1997). **Excerpts from the Lesson of Jurisprudence** (Session 19). Written by Jacob Ghasemi Khoi.
- Horr Ameli, Mohammad Hassan (1993). **Waseal al-Shi'a**. Qom: Al Al-Bait Institute.
- Ibn Manzoor, Jamal al-Din Muhammad (1984). **Lessan al-Arab**, Vol. 11. Qom: Adab al-Huzea Publishing.
- Imam Khomeini, Ruhollah (1969). **Tahrir al-Vasilah**. Najaf al-Ashraf: al-Adab Publishing.
- Imam Khomeini, Ruhollah (2010). **Sahifeh Nour**. Fifth Edition. Tehran: The Institute for the Setting up and Publication of Imam Khomeini Works.
- Jafari, Mohammad Taghi (1979). **Translation and Commentary of Nahjolbalaghe, Vol. 3**. Tehran: Islamic Culture Publishing Office, Second Edition.
- Javaheri, Ismail (1986)**. Al-Sehah Taj Al-Lagha and Sehah al-Arabiya, Vol 5**. Beirut: Dar al-elm Lel Mlaieen, Fourth Edition.
- Khansari, Jamal al-Din Mohammad (1987). **Persian Explanation of the Ghorar and Dorar** (The Seventh Vol.). Adjustment: Seyyed Jalal al-Din Mohaddes Ormawi. Tehran: Tehran University.
- Kolini, Mohammad (1984). **Osol al-Kafi**. Tehran: dar al-Kotob Islamyeh.
- Majlesi, Mohammad Bagher (-). **Behar Al-Anwar**, Vol 58. Noor Software.
- Mazinani, Mohammad Sadegh (2001). **"Methods of Political Education of Agents from the Perspective of Amir al-Mu'minin (AS)"**. *Islamic Government Magz*, No. 22.
- Moeein, Mohammad (1992). **Persian Culcher**. Tehran: Amir Kabir Publishing, 8th Edition.
- Motahari, Mortaza (1985). **About the Islamic Revolution**. Qom: Sadra Publications.
- Motahhari, Mortaza (-). **Divine Justice**. Tehran: Sadra Publications, Second Edition.
- Najafi, Mohammad Hassan (1986). **Javaher-ol-Kalam**. Tehran: Islamic Studies Department, Second Edition.
- Naraghi, Mola Mehdi (1962). **Jamea al-Sadaat**. Tthird Edition. Najaf al-Ashraf: Publishing al-Najaf.

www.SID.ir

Archive of SID

- Shahidi, Seyyed Ja'far (1994). **Nahj al-Balagheh Translation**. Tehran: Scientific and Cultural Publishing, 6th Edition.
- Sha'rani, Abolhassan (1977). **Nasre Tooba**. Tehran: Islamiya Bookstore.
- Tabataba'i Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem (-). **Al-ourwato alwosga, Vol. 1**. Tehran: Islamic Republic of Iran.
- Torihi, Fakhroddin (1983). **Majma Al-Bahrain, Vol. 5**. Tehran: Al-Mektabat al-Mortazaveyah.

○ ○ ○

www.SID.ir